

در رابطه با وضعیت پزشکی رفیق سعید آرمان

۵۳۸



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۲۲ فروردین ۱۳۹۹ - ۱۰ آوریل ۲۰۲۰

تأثیرات ایدئولوژیک کرونا

آذر ماجدی

صفحه ۳

گرامیداشت اول مه، دوران کرونا: چه باید کرد؟

رحمان حسین زاده

صفحه ۴

پاندمیک ویروس کرونا و دوراهی نظم نوین جهانی

قسمت سوم

جمال کمانگر

صفحه ۶

دولت جمهوری اسلامی و بسته های حمایتی!

کسب در آمد دولت از جیب خالی مردم

سعید یگانه

صفحه ۸

زندانیان باید فوراً آزاد شوند!

نادر شریفی

صفحه ۱۰

"تاکتیک یعنی بی اصولی!"

دفاعی مذبوحانه از تحریم اقتصادی!

آذر ماجدی

صفحه ۱۲

جنایت در زندانهای اهواز

تهدید زندانیان ارومیه

دولت را

موظف کنیم!

در باره حداقل

دستمزد

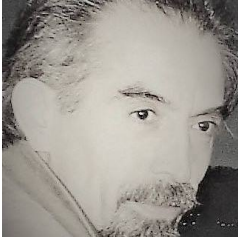
کار را متوقف کنیم!

علیه نسل کشی کارگران بایستیم

روحانی جنایتکار خواست کارگران مبنی بر تعطیلی کار را هدف "ضد انقلاب" می نامد و سیاست آغاز بکار را انتخاب دولت! خامنه ای جنایتکار میگوید مسئله کرونا "ناچیز" است، مسئله دشمنان مهمتر است! بنا به تصمیم دولت از روز ۲۳ فروردین در شهرستانها و از ۳۰ فروردین در تهران کار تدریجاً به حالت عادی برمیگردد. این در حالی است که طی بحران کرونا کارگران در بسیاری از مراکز کار کردند و تاکنون کوید ۱۹ از کارگران و مردم محروم بیشترین قربانی را گرفته است. جمهوری اسلامی در باره آمار مبتلایان دروغ شاخدار میگوید، آمارهای رسمی حتی با ادعای عناصر سرسپرده خودشان تفاوت نجومی دارد: شریعتی استاندار خوزستان اعلام کرده "نگران انفجار کرونا است". عضو "ستاد ملی مدیریت کرونا"، حمید سوری، میگوید "برآورد ما این است که حدود ۵۰۰ هزار نفر در کشور به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند". فرمانده "مدیریت و مقابله با کرونا در تهران"، علیرضا زالی، "از افزایش مبتلایان به ویروس کرونا طی سه روز گذشته در پایتخت خبر داده و اوضاع این کلان شهر را نگران کننده برشمرده است". همه اینها در شرایطی است که دولت کمترین مسئولیتی در قبال معیشت مردم، موج گسترده بیکاری میلیونی در دو ماه گذشته، تامین معیشت ساکنین ایران، تامین نیازهای

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



از جمله طبقات دارا و حکومت اسلامی شان تلاش دارند از دل این بحران بنفع کسب موقعیت بهتری بیرون بیایند. طبقه کارگر نیز باید از این بحران قویتر بیرون بیاید و بتواند ابتکار عمل سیاسی را در همین دوره تماماً بدست گیرد. ما کارگران و اکثریت عظیم مردم اسیر فقر و فلاکت ایم، اما دستجمعی خودکشی نمی کنیم. سر

کار نرویم، به پروژه نسل کشی کارگران توسط حکومت اسلامی سرمایه داران تن ندهیم. وضعیت ویژه نیازمند اقدامات ویژه است. بجز مراکز اورژانسی و رفع نیازهای پایه ای، آنهم با پرداخت حقوق کامل و کاهش ساعات کار و تضمین سلامت کارگران و کارکنان، باید تا رفع خطر و عبور از بحران مراکز کار تعطیل شوند. دولت و کارفرمایان متعهد و موظف به تامین نیازهای ضروری، پرداخت حقوق ها، تامین سلامت و بهداشت محیطهای کار هستند. کار را متوقف کنیم! در مقابل سیاست جنایتکارانه و ضد جامعه سران جمهوری اسلامی بایستیم!

سردبیر.

۹ آوریل ۲۰۲۰

کار را متوقف کنیم!

علیه نسل کشی کارگران بایستیم ...

درمانی و بهداشتی آنها بعهدہ نگرفته است. خامنه ای جنایتکار تحت عنوان "آزمون ملت" از مردم میخواهد که خودشان برای کمک به همدیگر دست بکار شوند. اما با یک دستور برای سپاه تروریستی قدس دویست میلیارد یورو بودجه اختصاص میدهد.

تصمیم سران جمهوری اسلامی برای آغاز کار در مراکز تولیدی و اداری و آموزشی سیاستی برای کشتار مردم و عمدتاً کارگران و محرومان است. خودشان در هزار سوراخ قایم شدند و مردم را به آغاز فعالیت اقتصادی و اجتماعی فرامیخوانند. در مقابل این نسل کشی باید ایستاد!

کارگران! کار را تعطیل کنیم. مراکزی باید جلو بیافتند و دستجمعی در سر کار حاضر نشوند. چرا با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و در کشتارگاه کرونا هنوز باید به استنثار خشن تن بدهیم؟ همه جنبش ها

جهت اطلاع عموم!



در رابطه با وضعیت پزشکی رفیق سعید آرمان

به اطلاع میرسانیم که متأسفانه رفیق سعید آرمان از دو هفته پیش به بیماری کووید ۱۹ مبتلا شده است. خبر بیماری رفیق سعید باعث نگرانی خانواده، رفقا و دوستان زیادی شده است. در این مدت صدها تلفن و پیام محبت آمیز دریافت کرده ایم که جویای حال ایشان شده اند. رفیق سعید هم اکنون در یکی از بیمارستانهای لندن بستری است و وضعیت عمومی اش تا امروز صبح هشتم آوریل رضایت بخش گزارش شده است. امیدواریم که هرچه زودتر بهبود کامل حاصل شود و رفیق سعید آرمان عزیز به میان خانواده و رفقاییش برگردد.

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۸ آوریل ۲۰۲۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات

شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

تائیرات ایڈنولوژیک کرونا

آذر ماجدی



عیان شدہ است.

پیش از این ہم همه آگاہ بودند کہ در این جامعہ جان یک آدم پولدار از یک آدم فقیر بمراتب با ارزش تر است؛ همه می دانستند کہ یک اقلیت کوچک بخش عمدہ ثروت جامعہ و تمام قدرت را در دست دارد؛ اما ایڈنولوژی حاکم موفق شدہ بود کہ این شرایط را طبیعی و اجتناب ناپذیر جلوه دہد. این شرایط بنوعی بعنوان یک دادہ روز پذیرفتہ شدہ بود. کمتر بہ زیر سوال بردہ می شد. بیش از آنکہ بہ زیر سوال بردہ شود موجب حسرت و حسادت می شد؛ با معیار موفقیت و عدم موفقیت سنجیدہ می شد؛ بعنوان الگو بہ آن نگاه می شد. کرونا تمام این شرایط را جارو کرد.

سخنگویان و ایڈنولوگهای بورژوازی دارند تلاش می کنند تا این لایروبی ایڈنولوژیک بہ نفی کامل سرمایہ داری منتهی نشود؛ تا بہ یک انقلاب سیاسی نیانجامد. می کوشند خلاء را سریعاً پر کنند. یک راه موثر آن باج دادن بہ خشم مردم و چرب زبانی در مقابل بہ زیر سوال بردن ارزش های حاکم است. کما اینکہ این مفسر بی بی سی کلی فیدبک مثبت بہ توثیقش گرفته است. یک مفسر معروف بی بی سی کہ بہ قول معروف "برای خود کسی است" دارد سیستم حاکم را نقد می کند؛ نابرابری عمیق را بہ زیر سوال می برد؛ از کارگران و مردم عادی تعریف می کند. این قرار است آن شهروندان عادی خط اول جبهہ را تسکین دہد؛ حکم قرص مسکن را بازی کند.

بورژوازی کار خود را خوب بلد است. امکانات مادی عظیمی ہم در دسترس دارد. مدت کوتاهی چرب زبانی و کمی عقب نشینی سیاسی و اقتصادی می کند و بار دیگر بہ تمام این دستاوردها یورش می آورد و دنیا را بہ همان جہنم پیشین و حتی بدتر از آن بر می گرداند. مسالہ اینجاست کہ آیا ما کمونیست های انقلابی قادریم این فرصت را دریابیم و در این خلاء یا هشیاری ایڈنولوژیک یک پیشروی سیاسی - ایڈنولوژیک را سازمان دہیم؟ آیا می توانیم ملزومات یک انقلاب عظیم اجتماعی را فراهم آوریم؟ این آن سوالی است کہ در مقابل ما قرار گرفته است. بورژوازی سریعاً خود را برای مقابله با این زلزله و خلاء آمادہ کردہ است؛ ما کمونیست های انقلابی نیز باید برای یورش انقلابی آمادہ شویم. اکنون جامعہ بر سر یک دو راهی بزرگ قرار گرفته است. باید نقش خود را ایفاء کنیم.

یکی از ژورنالیست ها و مفسرهای بی بی سی در دفاع از جامعہ برابرتر صحبتی داشتہ کہ در توئیتر سر و صدای زیادی کردہ است. از همان دستہ ژورنالیست هایی کہ تحمل جرمی کوربین را ہم نداشتند؛ الان در سایہ کرونا از کارکنان بخش درمانی، از کارگران در جلوی خط جبهہ، رانندگان اتوبوس و کارگران سادہ صحبت می کنند؛ از اختلاف وسیع میان فقیر و غنی! چه اتفاقی افتادہ است؟

یکی دو ہفتہ پیش مقالہ ای دیدم در ہافینگتن پست با تیتیر "آیا کرونا ہمہ ما را سوسیالیست خواهد کرد؟" روزنامہ گاردین ہر روز نوشتہ ای درباره وضعیت نابسامان مردم عادی تحت کرونا دارد. دو سہ روز پیش مقالہ ای منتشر کردہ بود در تکفیر سلبریتی ها و پولدارها کہ در شرایط کرونا اصلاً حالیشان نیست مردم در چہ شرایطی قرار دارند و از اینکہ دیگر در دنیای مجازی بہ پست هایشان عکس العمل نشان دادہ نمی شود یا برخورد خشمگین می شود گیج و منگ شدہ اند.

در دنیای مجازی پر از پست هایی است کہ با این مضمون: "معلوم شد دنیا بدون رفتگر، رانندہ اتوبوس و تاکسی، کارگر پست و فروشگاه ها و نرس و کارگران نظافت نمی تواند یک روز دوام بیاورد؛ اما بدون رئیس بانک و مدیر و سرمایہ دار آب از آب تکان نمی خورد." برای ما کمونیست ها و مارکسیست ها چنین مشاہدات و نظراتی عادی است، اما در جامعہ و میان مردم هیچگاہ چنین نظراتی را نمی شنیدید و اگر ما کمونیست ها چنین نظری را بیان می کردیم، باحتمال زیاد بما گوشزد می شد کہ از "کلیشہ های ایڈنولوژیک" پرهیز کنیم!

اینگونہ اظہار نظر، نوشتہ ها و عکس العمل های مفسرین سلبریتی بیانگر یک نکته است: جامعہ از نظر فکری و ایڈنولوژیک وارد یک شرایط بسیار متحول و شاید انقلابی شدہ است. پاندمی کرونا حکم یک زلزله سیاسی ایڈنولوژیک را داشتہ است؛ ہمہ را تکان دادہ است. ضربه پذیری جامعہ، اختلاف بسیار عمیق میان فقیر و غنی، نابرابری تہوع آور در جامعہ، اگر چہ بر کسی پوشیدہ نبود، اما تحت کرونا لخت و عریان در مقابل چشمان ہمہ قرار گرفته است. زحمتی و شناخت آن

باید گذاشت کسی گرسنہ بماند!

تأمین معیشت و حقوق پایه مردم وظیفہ مستقیم دولت است. در دورہ بحرانی کنونی این وظیفہ بی اما و اگر است. باید رژیم را موظف بہ تأمین معیشت مردم کرد. نهادہای ہمکاری، کہ اینروزها نماد نوعدوستی و ہمبستگی انسانی اند، نباید بگذارند کسی بدون غذا و نیازهای اولیه بماند. در ہر کوی و برزن بداد ہمسایہ و سالمندان و محرومان برسیم. نیازهای غذائی و بہداشتی را بہ طرق مختلف تأمین و توزیع کنیم. مبتکرانہ راه های کمک رسانی را پیدا کنیم و بہ ہمدیگر اطلاع دہیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست



شرایط امسال را در ایران به مرحله اجرا گذاشت.

یکی از تاثیرات محدود کننده خطرات ویروس کرونا، این مساله است که بنا به ضرورت اکنون بسیاری مسائل اجتماعی و مبارزاتی دیگر به طور واقعی به حاشیه رفته است. انعکاس این مساله را در عدم

تمرکز حواس رهبران و فعالین و نهادهای کارگری و حتی نیروهای چپ و کمونیسٹ برای تدارک اول مه در شرایط پیچیده امسال میتوان دید و البته تاکنون طبیعی و قابل درک است. اما ادامه آن در سه هفته باقیمانده به اول مه ایراد جدی خواهد داشت. در نتیجه قدم اول چه باید کرد متمرکز شدن بر تدارک گرامیداشت اول مه در شرایط کرونا زده امسال و در دستور گذاشتن اقدامات ضروری و فوری است از جمله:

۱- اقدامات عملی :

الف - ایجاد شبکه فعالین تدارک گرامیداشت اول مه: جمعی از فعالین کارگری و سوسیالیست برای تدارک اول مه امسال باید شروع کنند. شبکه ای از فعالین کارگری معتبر و شناخته شده فرا کارخانه ای و حتی شهری میتوانند و لازمست شبکه متحد و همگام طرحریزی گرامیداشت اول مه امسال شکل بگیرد. سالهای قبل هیئت ها و کمیته های تدارک اول مه شهری و محلی که امکان جلسات حضوری و فراخوان به اجتماع کارگری در سطح شهر را داشتند، تشکیل میشد. امسال چنین قالبی محدود کننده است. رهبران و فعالین کارگری بخشهای مختلف جنبش کارگری با هم آشنا هستند. از فعالین نیشکر هفت و فولاد تا هپکو و آذراب و بافق و پتروشیمی ها و پارس جنوبی، از فعالین این و یا آن نهاد کارگری مستقل میتوانند شبکه وسیع نئی نهاد تدارک اول مه امسال را سازمان دهند و همفکری و تبادل نظر و نهایتا تصمیم گیری را به سرانجام برسانند. این سنگ بنای حرکت برای سازماندهی گرامیداشت اول مه امسال خواهد بود.

ب- برگزاری سخنرانی و میزگردهای نئی فعالین کارگری: رهبران و فعالین و آژیتاتورهای کارگری با استفاده از مدیای اجتماعی سخنرانی و میزگرد و آژیتاسیون در معرفی اول مه، در نقد و تعرض به سرمایه داری که اکنون ماهیت ضد انسانی آن زیانزد خاص و عام است لازمست شروع کنند. خواستهای فوری کارگران را طرح کنند.

ج- تکثیر بنر و تراکتها و سازماندهی شعار نویسی به مناسبت اول مه: نصب بنر و تراکت و شعار نویسی در سطح شهر و در معرفی روز کارگر بخش مهمی از کمبود مارش کارگری را جبران میکند. سازماندهی تیمهای سه نفره کارگری برای انجام اینکارها با حفظ همه استانداردهای پزشکی و سلامتی را لازمست و میتوان سازمان داد.

د- همکاری با نهادهای همیاری مردمی مقابله با ویروس کرونا در سطح محلات و شهرها: نهادها و کمیته های همیاری با گستردگی در سطح شهرها شکل گرفته است. در مناسبت اول مه حمایت گسترده از این نهادها را باید سازمان داد. نقش برجسته رهبران و فعالین جنبش کارگری در این تحرک باید ملموس شود. به طور مشخص نهادهای کارگری و واحدهایی از فعالین کارگری در روز اول مه میتوانند و لازمست مبتکر یاری رسانی معیشتی و یا بهداشتی در

گرامیداشت اول مه، دوران کرونا:

چه باید کرد؟

رحمان حسین زاده

فاجعه کرونا، تمامی فعل و انفعالات جامعه بشری را به پهنای جهان با مخاطرات جدی روبرو کرده است. سطوح مختلف سوخت و ساز اجتماعی، روابط انسانها، معیشت و سلامتی و بهداشت، اقتصاد و سیاست و فرهنگ و ایدئولوژی و اخلاق هم اکنون دستخوش تحولات جدی است. در فرصت دیگری لایه های مهم و پایه ای این تحولات را باید بررسی کرد. در این نوشته به طور فشرده مساله مشخص و مهمی در این دوره اوجگیری خطر ویروس کرونا مورد بحث است. آن هم **گرامیداشت اول مه روز جهانی کارگر در دوران کرونا چگونه خواهد بود؟** در دوره ای که همه اذهان بر اوضاع پرخطر و پیچیده مقابله با کرونا متمرکز شده، شاید توجه به گرامیداشت اول مه بیمورد و به نظر عده ای "کارگرگرای متعصبانه" به نظر برسد. هر جریان و هر کس بنا به منفعت و مصلحتهای طبقاتی و یا سطحی گری و محدودنگری مساله را چنین ببیند، منکر این واقعیت بزرگ هستند که اول مه روز جهانی کارگر، معتبرترین مناسبت بین المللی و یک روز تاریخی بی نظیر است و طبقه کرگر جهانی در آن بی تحرک نخواهد ماند و آن را گرامی خواهد داشت. لذا مساله اینست تک روز ارزش گذاری تلاش و مبارزه گردانندگان چرخه جهان، بردگان مزدی که با کار و مبارزه خود وسیعترین و اصلی ترین نیروی فعاله انسانی برای ایجاد بهبود و تغییر در این نظم ضد انسان وارونه هستند، امسال و منطبق با اوضاع پیچیده کنونی چگونه میتواند به عرصه همبستگی طبقاتی و انسانی گسترده و محرک همیاری کارگری و انسانی برای عبور از مصائب نظم سرمایه و مخاطره ویروس کرونا در شرایط مشخص امسال تبدیل کرد.

موانع کدامند و چه باید کرد؟

اولین مانع پیش پای گرامیداشت اول مه این واقعیت است که نمیتوان و نباید فراخوان برپایی اجتماعات و یا رژه کارگری داد. هر ساله رژه کارگری در میادین اصلی شهرها و اجتماعات زنان و مردان کارگر و خانواده های کارگری و همه انسانهایی که روز جهانی کارگر را به خود متعلق میدانند، شور انگیزترین بخش این مناسبت است. مهمتر تجسم اصلی اتحاد و همبستگی کارگری و مبارزه جویی طبقه پرچمدار دگرگونی و ریشه کن کردن نظم استثمارگرانه است. واضح است امسال موردی و موقت برای مقابله با خطر ویروس کرونا هر جریان و فعال کارگری و مسئول و ما کمونیستها اکیدا باید بگوییم اجتماعات و مراسم و تجمع برگزار نشود. برخلاف چپ مریخی تجمع و اعتراض و تظاهرات به هر قیمت و نامربوط به شرایط مشخص نمیتواند سیاست مسئولانه و زمینی باشد. حفظ سلامتی کارگران و خانواده های کارگری و همه انسانهای حق طلب در شرایط امسال یک اولویت اساسی و انسانی است. در نتیجه سوال اینست اگر این وجه اصلی مراسمهای روز کارگر حذف میشود، انوقت آیا گرامیداشت اول مه امسال منتفی نیست؟ پاسخ هر کارگر کمونیسٹ و هر نهاد و تشکل کارگری خلاق و متعهد باید این باشد، نه تنها منتفی نیست، بلکه این شرایط ناهموار ابتکارت و خلاقیت جدید و تلاش مضاعف را برای برجسته کردن اول مه و طرح ادعای گرامیداشت کارگری را میطلبد. باید آستینها را بالا زد و راهکار و اقدامات منطبق با

گرامیداشت اول مه، دوران کرونا:

چه باید کرد ...

محلات و در مناطق کارگری باشند. همه ببینند در روز جهانی کارگر ابعاد همیاری کارگری و مردمی بسیار برجسته و گسترده بوده است.

۲- ادعای کارگری، خواسته ها و مطالباتی که لازمست طرح شود! هر ساله ادعای کارگری در فرمت قطعنامه و یا بیانیه توقعات و انتظارات جنبش کارگری را مطرح کرده است. یکی از ابتکارات امسال بخش رادیکال و پیشرو جنبش کارگری میتواند تدوین و ارائه یک قطعنامه سراسری و فراگیر مورد حمایت بخشهای مختلف و رادیکال جنبش کارگری باشد. چنین پلتفرمی میتواند به محور شکل دادن به اتحاد و همبستگی سراسری جنبش کارگری تبدیل شود. بروز جهانی ماهیت ضد انسانی کاپیتالیسم فرصتی است که ادعای کارگری دست به ریشه ببرد و ترجیح سود پرستی این سیستم بر انسانیت را مستدل و با زبان آتشین و تعرضی بیان کند. امکان پذیری نظم آزاد و برابر سوسیالیستی و تضمین رفاه و سعادت برای بشریت را مستدل کند.

در شرایط مشخص کنونی بر تامین فوری و بی اما و اگر معیشت همه شهروندان، بر تقابل با فقر و بیکاری پافشاری کند. برای مقابله موثر با شیوع ویروس کرونا بر تعطیلی کار با پرداخت کامل حقوق تاکید کند.

و بالاخره مقرری تعیین شده و چند بار زیر خط فقر امسال را با بیانی رسا و محکم مردود اعلام کند و بر سر شورای عالی کار بکوبد.

در این چهارچوب و با ابتکارات دیگر میتوان محدودیتهای کنار زد و اول ماه مه را به طور شایسته گرامی داشت. این مناسبت را به فرصت بیشترین اتحاد و همبستگی در صفوف جنبش کارگری تبدیل کرد.

کارگران جهان متحد شوید!

در اول مه نه شاهی تاجگذاری کرده است، نه مذهبی آمده است، و نه "ملتی" درست شده است! اول مه روز یک طبقه جهانی، روز یک جنبش بین المللی کارگری است که برای تغییر ریشه ای جهان، برای انقلاب کمونیستی مبارزه میکند!

اول مه روز صاحبان واقعی جهان است! روز بشریتی است که جهان بدون کار او نمیتواند سرپا بماند! روزی است که اسپارتاکوس های این جنبش، رهبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند: برای رهائی جامعه راهی جز انقلاب کارگری، انقلاب بردگان مزدی، علیه سیستم بردگی مزدی وجود ندارد!

زنده باد اول مه!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آوریل ۲۰۲۰

همیاری انسانی را گسترش دهیم!

زنان و مردان آزادیخواه، جوانان انقلابی، انساندوستان! دست همدیگر را بگیریم. به شیوه های ایمن ابتکارات مختلف را بکار گیریم. کودکان کار، بی مسکنان، حاشیه نشینان، محرومان، سالخوردگان، بیماران، معتادین و کسانی که قربانیان این نظامند، بیش از بقیه نیازمند دست یاری هستند. از نیاز به وسائل بهداشتی و غذا و لباس تا جائی برای آرمیدن. همیاری انسانی را گسترش دهیم. اینروزها تعیین کننده اند. همه میخواهند زندگی کنند. من، تو، ما، میخواهیم زنده بمانیم!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

پاندمیک ویروس کرونا و دوراهی

نظم نوین جهانی

قسمت سوم

جمال کمانگر

پاندمیک و بیکاری عظیم!

نظام سرمایه داری در ۱۲۰ سال اخیر همواره بحرانهای ادواری که ناشی از گرایش نزولی نرخ سود سرمایه بوده است را از سر گذارنده است. این بحرانها و مکانیسم بازسازی سرمایه به تشدید رقابتهای امپریالیستی برای تصرف بازارهای کار و کالا، به جنگهای جهانی و جنگهای منطقه ای در جهان منجر شده است و جان دهها میلیون نفر از مردم بی دفاع را گرفته است. اما سرمایه داری در غیاب یک نیروی متشکل، کمونیست و فعال و با اشتهای برای کسب قدرت سیاسی در سطح جهانی، بحرانهای اقتصادی را به فرصتی برای استثمار و خانه خرابی بیشتر مردم کارگر و زحمتکش تبدیل کرده است.

بحران اقتصادی ناشی از پاندمی کرونا اما از جنس بحرانهای قبلی نظام سرمایه داری نیست و نتایج و عواقب آن هنوز بدرستی روشن نیست. نظام سرمایه داری هنوز از بحران مالی ۲۰۰۸ تماماً قد راست نکرده بود که با مسئله کرونا با بحرانی به مراتب عمیق تر مواجه شده است. جهانی شدن سرمایه داری و تحولات تکنولوژیک در دهه دوم قرن بیست و یکم بسیاری از ناممکنها را ممکن کرده است و موجب دگرگونی عظیمی در حوزه های اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی شده است. ظاهراً انقلاب انفورماتیک، سرعت و گستردگی دسترسی افراد به اطلاعات را بیش از هر زمانی ممکن کرده است اما در عین حال چهارچوبی جدید به نظم اقتصادی حاکم داده است که بیشترین محدودیتها را به انسان قرن بیست و یکم تحمیل میکند. ترس از مرگ و بیماری ناشی از کرونا حبس خانگی را تقریباً به کل جمعیت جهان تحمیل کرده است. میلیونها مغازه کوچک، رستوران، کافی شاپ، سینما و کتابفروشی و قلمروهای فرهنگی و ورزشی و خدماتی را تعطیل کرده است. تنها صنعت توریسم در جهان صدها میلیون نفر که در بخشهای مختلف حمل و نقل هوایی، دریایی و جاده ای و ریلی به کار مشغول بوده اند را بیکار و خانه نشین کرده است.

قطعا بحران ناشی از پاندمی کرونا دیر یا زود به پایان میرسد. اما سؤال اصلی این است که چه تعداد از کارگرانی که در این مدت بیکار شده اند دوباره به سرکار خود باز خواهند گشت؟ در بخش دوم این سلسله مقالات اشاره شد که ۱۶ درصد از شرکتهای آمریکایی معروف به "زامبی کمپانی" هستند و بدون قرض بیشتر حتی قادر به پرداخت سود بدیهی هایشان نیستند. تردیدی نیست که دولتها از این فرصت برای تعطیلی و اخراج کارگران این نوع کمپانیها استفاده خواهند کرد. فقط در هند بالغ بر ۱۰۰ میلیون کارگر روزمزد و فقیر و بدون هیچ حمایتی به خانه هایشان فرستاده شده اند. پاندمی کرونا تاکنون بیکاری عظیمی بوجود آورده است. پیش بینی میشود که در آمریکا تا ماه ژوئن بالغ بر ۲۵ درصد از نیروی کار بیکار خواهند شد و این موج جدید

بیکاری کشورهای در حال توسعه و فقیر را با بحران جدی تری مواجه خواهد کرد.

قبل از پاندمی کرونا ارزشهای دیجیتالی و اعتباری رفته رفته جای پول فیزیکی را گرفته بودند. اسکناس و سکه به وسیله انتقال ویروس تبدیل شده اند! دولت چین بلافاصله اسکناسها و سکهها را جمع آوری و نابود

کرد و مردم را تشویق به استفاده از کارتهای اعتباری و بانکی برای خرید آنلاین کرده اند. این مدل کمابیش در تمام کشورها به کار گرفته شده است. پاندمی کرونا آخرین مقاومتها در مقابل سرمایه داری دیجیتالی شده و خرید و فروش آنلاین را در هم شکسته است. برنده این وضعیت شرکتهای عظیمی مثل "آمازون"، "علی بابا" و "والمارت" هستند که صدها هزار راننده و کارگر استخدام کرده اند. روابط اجتماعی در حین و بعد از کرونا به سمت ایزوله شدن بیشتر در واحدهای کوچکتر شده، سوق داده میشود. اینها صرفاً جوهری از تأثیرات این بحران است.

درآمد جهانشمول پایه! Universal Basic Income

قبل از بحران کرونا، بیکاری در جهان انبوه و گسترده بود و امواج جدید بیکاری در کشورهای مختلف زندگی صدها میلیون نفر از کارگران و خانواده هایشان را تهدید میکرد. با پیشرفت تکنولوژی و به کارگیری "هوش مصنوعی" و "کامپیوترهای آلوگوریتیم" و آنچه به اتوماسیون معروف است، تعداد بیشتری از کارگران کارشان را از دست میدهند. پروسه بیکاری با سرعت سرسام آوری در حال پیشرفت است و سرمایه داری برای کالاهایش نیازمند یافتن خریدار است. مارکس در مانیفست کمونیست ۱۷۲ سال پیش وضعیت امروز رابطه نیروی کار با رشد ماشینها را این گونه پیشبینی کرده است: "بر اثر توسعه استعمال ماشین و تقسیم کار، کار پرولتاریا هر گونه جنبه مستقلانه خود را از دست داده و در نتیجه لطف کار نیز برای کارگر از بین رفته است. کارگر به زانده ساده ماشین مبدل میگردد و از وی فقط ساده ترین و یکنواخت ترین شیوه هایی را میخواهند که آسانتر از همه فرا گرفته میشود. بدین جهت مصارفی که برای کارگر میشود تنها منحصر میگردد به تهیه وسائل معیشتی که برای حفظ خودش و بقاء نسلش ضروری است. و بهای یک کالا، و از آنجمله کار مساوی با مصارف تولید آنست. به همان نسبت که بر نامطوبعی کار افزوده میشود، به همان نسبت نیز مزد کاهش میپذیرد. حتی از این هم بالاتر؛ به همان نسبت که استعمال ماشین و تقسیم کار توسعه مییابد، به همان نسبت نیز بر کمیت کار افزوده میگردد، خواه بحساب ازدیاد ساعات کار و خواه در نتیجه افزایش کمیت کار لازم در یک مدت زمان معین و یا در نتیجه تسریع حرکت ماشین و غیره."

شیوه برخورد با نیروی کار مازاد طبقه کارگر یا همان ارتش بیکاری همواره مورد توجه "مصلحین" نظام سرمایه داری قرار گرفته است. تاریخ آن به قرن ۱۶ میلادی برمیگردد که برای اولین بار توسط "توماس موری" انگلیسی مسئله تامین درآمد ثابت برای تمام آحاد جامعه توسط دولت را مطرح کرد. یکی از رهبران انقلاب کبیر فرانسه بنام "مارکوس دی کوندرست" نیز ایده بیمه های اجتماعی برای از کاهش نابرابری، ناامنی و فقر را طرح کرده بود. اما بعدها این خواست در قرون ۱۹ و ۲۰ با مبارزات جنبش کارگری در سراسر جهان بطور جدی گره خورد و طی مبارزات کارگری پرداخت بیمه بیکاری بعنوان بخشی



پاندمیک و ویروس کرونا و

دوراهی نظم نوین جهانی ...

از قوانین کشورهای صنعتی و پیشرفته به سرمایه داری تحمیل شد.

بنظر طرح پرداخت "درآمد جهانشمول پایه" به تمام آحاد جامعه، در شرایطی که کار مناسب و درخور توجهی وجود ندارد، گامی فراتر از بیمه بیکاری محسوب میشود. چرا که بیمه بیکاری همواره شامل بخشهایی از مردم کارکن و محرومان نمیشود. اخیرا کشورهای مختلف سرمایه داری این مسئله را به طرق گوناگون طرح کرده اند. در جریان بحران کرونا اکثر کشورهای صنعتی بخشی از معیشت مردم را هرچند موقت پرداخت میکنند. اسپانیا اولین کشور اروپایی است که قانون پرداخت "درآمد جهانشمول پایه" را تصویب کرده است. دولت فنلاند آزمایشی به مدت یکسال آنرا اجرا کرد و دولت سوئیس قبل از بحران کرونا آنرا به فرزندم گذاشت که رای نیاورد.

پرداخت درآمد جهانشمول پایه توسط دولتها نه در شرایط بحران، بلکه بعد از آن هم، چنانچه جابگوی حداقل نیازهای اقتصادی و رفاهی باشد، میتواند آزادی عمل بیشتری به طبقه کارگر برای رهایی از ناامنی شغلی و بیکاری بدهد. هرچند تا عملی شدن این خواسته فاصله زیادی وجود دارد اما طبقه کارگر اعم از بیکار و شاغل نمیتواند ترس همیشگی از بیکاری و ناامنی مطلق اقتصادی را نسل اندر نسل روی سرشان حفظ کنند. شکوفایی خلاقیتهای طبقه کارگر و آحاد جامعه در گرو تامین معیشت و درآمد مکفی و جابگوی یک زندگی امروزی است. امری که کارگران در چهارچوب همین نظام همواره برای آن جنگیده اند.

در قسمت چهارم این مطلب به بهداشت همگانی و امنیت غذایی خواهم پرداخت.

ادامه دارد.....

در باره حداقل دستمزد

منبع: اینستاگرام اسماعیل بخشی



در جریان اعتصابات کارگران هفت تپه در سالهای اخیر، یکی از نقدهایی که منتقدین که از جمله چند تن از فعالین باسابقه ی جنبش کارگری هم مناسفانه جزو آنها بودند این بود که چرا اسماعیل بخشی و نمایندگان کارگری هفت تپه مطالبات و مشکلات کارگری را از طریق گفتگو و رایزنی حل نمیکنند؟ حتی برخی فعالین کارگری ادعا می کردند بخشی و دوستانش توانایی و قدرت چانه زنی ندارند لذا از طریق اعتصاب می خواهند به اهداف خودشان برسند... در پاسخ به این دوستان، بهترین نمونه برای رد نقدها، آنها را به جلسات تعیین نرخ حداقل دستمزد توسط نمایندگان کارگری (که البته نمی دانم چه کسانی آنها را بعنوان نماینده کل کارگران ایران معرفی کرده است) با نماینده کارفرماها و دولت ارجاع میدهم. پس از دوماه جلسه و گفتگو و رایزنی نتیجه همان شد که باب طبع کارفرماها و دولت بود نمایندگان به اصطلاح کارگری را به هیچ حساب کردند و حداقل دستمزد از یک میلیون پانصد شد یک میلیون هشتصد در سالی که تورم ۴۱ درصد اعلام شده است... خب این هم گفتگو و رایزنی و تلاش برای حل مشکلات کارگری با گفتگو، تازه سر یکی از صدها مطالبه ی کارگران، حداقل دستمزد.

آیا این افزایش دستمزد با تورم ۴۱ درصدی را باید حداقل نامید یا حداقل حداقل دستمزد؟ وقتی نمایندگان به اطلاع کارگری را به هیچ حساب می کنند و خودشان می برند و می دوزند آیا برای کارگران چاره ای جز متشکل شدن و اعتصاب باقی می ماند؟

اگر علاوه بر حداقل دستمزد می گفتیم حداقل سهم کارگر از تولید، حداقل سهم کارگر از سود، حداقل سهم کارگر از ثروت حاصله، حداقل سهم کارگر از شهرت و قدرت حاصل تولید و ده ها حداقل سهم از کار و تولید و فروش و سود و پول را نیز با گفتگو محاسبه کنید چه می کردند؟

۲۱ فروردین ۹۹

منبع: اینستاگرام اسماعیل بخشی

کار را متوقف می کنیم!

آینده از آن ماست، دستجمعی خودکشی نمی کنیم!

کار را تعطیل کنیم. خانه بمانیم و سر کار نرویم. ما کارگران و کارکنان اسیر فقر و فلاکت ایم، اما دستجمعی خودکشی نمی کنیم. وضعیت ویژه نیازمند اقدامات ویژه است. در اوضاع کنونی، سازمان کار جامعه باید حداقلی، اورژانسی و پاسخ به نیازهای ضروری باشد. ما کارگران مراکز تولیدی و کارکنان مراکز اداری و خدماتی، بدون تست مرتب و بدون برخورداری از نیازهای پزشکی حاضر نیستیم در محلهای کار حضور پیدا کنیم. دولت و کارفرمایان متعهد و موظف به تامین نیازهای ضروری، پرداخت حقوق ها، تامین سلامت و بهداشت محیطهای کار هستند. کار را متوقف می کنیم!

یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکفی برای تمام افراد آماده به کار!

دولت جمهوری اسلامی و بسته های حمایتی!

کسب درآمد دولت از جیب خالی مردم

سعید یگانه

جامعه ایران در بطن یک بحران سیاسی و شرایط بسیار وخیم اقتصادی پا به یک بحران همه گیر و کشنده و خطرناکی گذاشت که نه تنها باعث مرگ هزاران انسان شده است، علاوه بر این میلیونها انسان کارگر و محروم جامعه را با چالش اقتصادی و معیشتی و فقر بمراتب بیشتری روبرو کرده است. در این میان رفتار جنایتکارانه و ضد انسانی جمهوری اسلامی با شهروندان و عدم مسئولیت پذیری در قبال جان و سلامت مردم، مردم و طبقه محروم جامعه را با خطرات اقتصادی و معیشتی و جسمی و روانی ناشی از عواقب بحران کرونا بیشتر از هر کشوری مواجه کرده است.

بسته های حمایتی دولت

در شرایطی که شیوع ویروس کرونا جان هر شهروندی را تهدید می کند و لازم است که برای جلوگیری از شیوع بیشتر و حفظ جان شهروندان در خانه بمانند، دولت از اوایل بحران هیچ برنامه جدی و حمایتی برای تامین معیشت کارگران و محرومان و بیکاران در دستور نگذاشت. کارگران و مزدبگیران که برای امرار معاش خود و خانواده مجبورند روزانه نیروی کار خود را به فروش برسانند، در این شرایط بحرانی که توصیه همه ماندن در خانه است، ناچارند که برای امرار معاش با کمترین امکانات بهداشتی سر کار حاضر شوند تا از گرسنگی نمریند. بنا به گفته کارگران "اگر از کرونا جان سالم به در ببریم، از گرسنگی میمیریم".

با شیوع ویروس کرونا دولت اعلام کرد که به ۳ میلیون خانواده های بی بضاعت از ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان کمک بلاعوض پرداخت خواهند کرد. این در حالی است که بیش از بیست میلیون مردم فقیر و حاشیه نشین و بی درآمد وجود دارد. هم دولت و هم مردم میدانند که ۶۰۰ هزار تومان برای یک خانواده ۴ نفری در شرایط بحرانی و تورم و گرانی در ایران هزینه چند روز هم نیست و دردی را از کسی دوا نمیکند. سه شنبه ۱۹ فروردین در نشست اقتصادی دولت تصمیم گرفته شد که به ۲۳ میلیون یارانه بگیران، ۱ میلیون وام با بهره ۱۲ درصد پرداخت شود و در فاصله ۲۴ ماه از منبع یارانه آنان این پول به خزانه دولت بازگردانده شود. از یک دست می دهد و با دست دیگر پس میگیرند. این تمام کمک اقتصادی دولت جمهوری اسلامی به مردم در این شرایط بحرانی است. پرداخت وام با ۱۲ درصد سود آنهم برای مردمی که آهی در بساط ندارند و به کمک یارانه ناچیزی زندگی میکنند، حمایت نیست، کسب درآمد دولت از جیب خالی مردم در این شرایط تماماً بحرانی است. شارلاتانی محض است. هر دولتی در شرایط بحرانی موظف است نه تنها در فکر سلامت شهروندان باشد بلکه باید معیشت آنان را تا پایان بحران تامین

کند، اما جمهوری اسلامی در این شرایط نیز به جیب مردم فقیر و تنگدست حمله می کند.

دولت جنایتکار اسلامی که در بودجه سال ۹۹ میلیاردها دلار به حوزه های جهالت و سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد احیای "امر به معروف و نهی از منکر" و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و ده ها نهاد تولید خرافات



مذهبی و نهادهای نظامی اختصاص داده است، بعد از مدتها چانه زنی بر سر حقوق پایه کارگران در سال ۹۹، تصمیم گرفته اند که ۲۱ درصد به حقوق کارگران معادل ۱ میلیون و ۸۳۰ هزار تومان نسبت به سال گذشته اضافه شود. این در شرایطی است که بنا به توافق نمایندگان دولت، کارفرما و شورای عالی کار، مرز تورم و خط فقر ۴ میلیون و ۹۸۰ هزار تومان در ایران تخمین زده شده است. اعلام حقوق پایه کارگران تقریباً بیشتر از یک چهارم خط فقری است که خود این نهادهای ضد کارگری اعلام کرده اند.

دولت موظف است در هر شرایط معیشت مردم را تامین کند و در شرایط بحرانی این وظیفه صد چندان است. دولت روی سرمایه های جامعه چنگ انداخته اما مردم را در فقر و فلاکت و بیماری نگهدارد. بحران کرونا همانند هر بحرانی تاثیر متفاوتی بر زندگی اقشار و طبقات جامعه دارد و در حال حاضر بیماری و مرگ و فقر و بیکاری بیشتر سهم طبقه کارگر از این بحران است. در بحران اقتصادی ۲۰۰۸ و بیکاری و فقر و ریاضت اقتصادی ناشی از آنرا نیز کارگران تحمل کردند و سودهای هنگفت و بسته های میلیاردی را سرمایه داران. در بحران کرونا شاید طبقات مختلف ضرر مالی و جانی را متحمل شوند اما آنکه فقیرتر و محروم تر است بیشترین ضرر را متحمل می شود و در این شرایط نیز ناچار است که برای امرار معاش جان خود و خانواده را نیز به خطر بیدارد.

دولت جمهوری اسلامی از بدو شیوع ویروس کرونا تاکنون نامسئولترین و بی خاصیتترین و مضرترین حکومت در مقابله با این بحران بوده است. به سیاق همیشه، دروغ و تبهکاری و مخفی کاری را پیشه خود کرد و تهدید امنیتی را بالای سر مردم قرارداد. غیر انسانی ترین رفتار را در قبال جان و سلامت زندانیان به نمایش گذاشت. روحانی اعلام می کند که ما هنوز در اوج شیوع ویروس کرونا نیستیم، اما بیشرمانه وضعیت بعضی نقاط را سفید اعلام می کند و تصمیم گرفته اند که از ۲۳ فروردین در شهرستانها و ۳۰ فروردین در تهران در بخشی از مراکز تولیدی "کم ریسک" که ۱۵ تا ۱۶ میلیون کارگر را شامل می شود فعالیت از سر گرفته شود. این در شرایطی است که سازمان بهداشت جهانی، سایر دولتها، همه متخصصین این عرصه معتقدند که جامعه جهانی هنوز در میانه بحران است و بزودی دورنمای بهبود اوضاع و رفع خطر در چشم انداز دیده نمیشود.

دولت سرمایه داری و مذهبی اسلامی قبل از بحران کرونا زندگی یک جامعه ۸۳ میلیونی را با همین سیاستها و عملکردهای غیر انسانی و جنایتکارانه به مرز اضمحلال کشانده و امروز نیز با همین روش به جنگ بحران کرونا رفته است. در این شرایط مردم ناچارند در مقابل سیاست جمهوری اسلامی بایستند، دولت را موظف به تامین معیشت

دولت جمهوری اسلامی و بسته های حمایتی!

کسب در آمد دولت از جیب خالی مردم ...

و بهداشت مردم کنند و در عین حال به اتحاد درونی خود و ایجاد نهادهای کمک رسانی به مردم برای گذر از این بحران متکی باشند. بحران کرونا فعلاً همه چیز را در سایه خود قرار داده است. بحران کرونا به جمهوری اسلامی فرصت داد که بحرانها و تقابلهای تکنونی را در حاشیه قرار دهد. برای مردم متنفر از رژیم اسلامی و اکثریت مردم جان به لب رسیده دوره بعد از بحران کرونا شروع دوره جدیدی از کشمکش سیاسی و طبقاتی برای تعیین تکلیف مسائل اساسی جامعه است.

در اول مه

علیه سرمایه داری پاخلیم!

ما کارگران هرچه بیشتر کار میکنیم، سرمایه قدرتمندتر میشود! هرچه سرمایه بیشتر قدرتمند میشود، زنجیر اسارت طبقه ما محکم تر میشود! در حالی که میلیون ها کارگر بیکار و زندگی شان نابود میشود، سرمایه داران از صدها میلیون دلار حمایت از جیب ما کارگران بهره مند میشوند!

کارنامه سرمایه داری مملو از جنایت علیه زندگی و عواطف ما کارگران است! سرمایه داری با تشدید فشار کار و کاهش دستمزدها، با بیکارسازی و ایجاد رقابت در صفوف ما، با گسترش کار قراردادی و افزایش ساعات کار، با تحمیل فقر مستمر و با موعظه توجیه این اوضاع، هستی ما کارگران را در چهار گوشه جهان گرو گرفته است!

کارگران! این نظام شایسته ما و بشر امروز نیست! این نظام بدون جنایت و فقر و تبعیض و نابرابری نمیتواند سرپا بماند! رهائی ما کارگران در گرو انقلاب علیه سلطه سیاسی و اقتصادی سرمایه است!

در اول مه باید خشت خشت کاخهای قدرت بورژوازی را بلرزانیم! در اول مه باید فریاد زیم؛ نابود باد سرمایه داری! یک دنیای بهتر باید ساخت! جهانی آزاد و برابر و مرفه، یک جامعه آزاد کمیونستی!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمیونست کارگری ایران - حکمتیست

آوریل ۲۰۲۰

دولت را موظف کنیم!

- بیدرنگ شهرها و مناطق بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای درمانی، بهداشتی، معیشتی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفتی با کاهش ساعات کار تضمین شود!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- کودکان کار و خیابان، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسایل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- لغو پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران!
- لغو پرداخت بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی!

حزب کمیونست کارگری ایران - حکمتیست

کلیه زندانیان سیاسی بدون

تعلل و فوراً آزاد باید گردند!

زندانیان باید فوراً آزاد شوند!

نادر شریفی

تاریخ تمدن بشری، تاریخ نابرابری، شکنجه، اذیت و آزار و کشتار انسانها بدست یکدیگر است. در جوامع بشری از دوران کهن تا به امروز القابی مثل: شاهان، اشراف، سپاهیان، اربابان، صاحبان حرفه و امروز سرمایه داران، تکنوکراتها و صاحبان صنایع مذهب، بیان فرمی از تمایز آنان در انباشت و میزان مالکیت اقتصادی و بدین ترتیب حقوق اجتماعی برتر نسبت به دیگر انسانها بوده است. در مقابل طبقات دارا، طبقات محروم و فرودستانی را داریم که همیشه در نوعی بردگی و اسارت قدرت مافوق بودند و عمدتاً چیزی بغیر از فروش خود و کار خود را نداشته اند. زندانی و زندان از رابطه قدرت و جامعه‌ای ناشی میشود که عده قلیلی بر عده کثیری بنا به موقعیت اقتصادی و سیاسی و قانونی بهترشان حکم میرانند. بنابراین میتوان عده ای را بنابر "قوانین الهی" و یا "فرمان" نماینده خدایان بر روی زمین، پادشاهان، به جرم سیاه بودن، به جرم شکست در جنگ، بجرم اعتقادات یا عدم اعتقادات مذهبی، بجرم عدم فرمان پذیری، بجرم بی خدائی، بجرم آزادی و آزاد اندیشی به اسارت گرفت و یا آنان را در دوران عتیق بفروش رساند و معامله کرد. بردگی و اسارت در عصر سرمایه داری، مدل دیگری از این اسارت و بردگی است که خواننده با آن آشنائی بسیار نزدیکتری دارد.

"قانون" چیست و چی "جرم" است نیز تابعی از این رابطه قدرت و مالکیت است. نتیجتاً زندانی به کسی گفته میشود که بر اساس "قوانین جاری" جامعه دست به عملی "غیر قانونی" زده و یا از اجرای وظیفه و تعهد "قانونی" سرباز زده باشد. با تولد حکومت، دولت، کشور، ملت و گسترش و آغاز دوران سرمایه داری بر اساس روابط ناعادلانه اجتماعی اما "قانونی"، فرمهای بسیار بیشتری از "جرم" نیز پدیدار شده اند. آتش افروزی، آشوب، پول شویی، تاکتیکهای تروریستی، توطئه، تصرف، جرایم در مذهب، جرمهای جنسی (ارتباط آزادانه روابط جنسی)، سرکشی، فساد، تعلق حزبی، تهدید امنیت ملی و نمونه های دیگر آن بخشی از سلسله جرمهای شناخته میشوند که بعنوان مثال معنای آن در نظام سرمایه داری- مذهبی جمهوری اسلامی برابر است با از دست دادن "آزادی" و زندانی و شکنجه و دست آخر کشته شدن. برای حکومتی مانند حکومت اسلامی ایران، مجرم، کسی است که به خدا، به اسلام، به حکومت، به نظام، به رهبر، به گرسنگی، به بی عدالتی اجتماعی، به نابرابری زن و مرد، به عدم امنیت شغلی، به عدم پرداخت و یا نامکفی حقوق و مزد، به بی خانمانی، به بی سرپرستی، به تبعیض، به ممنوعیت حق و آزادی بیان، به فقدان آزادی گفتار و حق انتخاب و غیره اعتراض میکند یا خود مستقیماً قربانی ناهنجاریهای جامعه میشود.

بنا به اظهارات معاون وزیر و رئیس سازمان امور اجتماعی جمهوری اسلامی، تقی رستمی، ایران با جمعیت ۸۳ میلیونی، رتبه نهم دنیا را از لحاظ تعداد کل زندانیان در جهان دارد (البته آمار دیگری ایران را در

رده ششم تعداد کل زندانیان جهان قرار داده است). ایران در حال حاضر، بنابر اطلاعات تقی رستمی، ۲۴۰ هزار زندانی ثابت دارد که از این میان ۶۰٪ به دلیل جرائم مربوط به مواد مخدر و سرقت در زندان بسر می برند. آمار دیگری اعلام میکند که جمعیت "چرخشی" در زندانها نزدیک به ۷۰۰ هزار نفر است. یعنی هفتصد هزار انسان در ایران دائماً در

چرخش در یکی از زندانهای ایران بسر می برند. کامیوز نوروزی حقوقدان در مصاحبه ای در نشریه اینترنتی گسترش، خواهان هشت برابر شدن تعداد زندانهای ایران می شود. بنابر این حداقل ۱۴۴ هزار انسان مداوماً در ایران به دلیل ارتکاب به جرم هائی همانند خرید و فروش مواد مخدر و سرقت در زندان بسر میبرند. باید اول پرسید که مسئول اعتیاد و فروش مواد مخدر و سرقت در جامعه برآستی چه کسانی اند؟ و دوم سؤال کرد که تکلیف حدود ۱۰۰ هزار نفر زندانیان ثابت بقیه که در زندانهای حکومت بسر میبرند چیست؟ آنان به چه جرمی در زندانهای حکومتی آغشته به ویروس کووید ۱۹ زندانی شده اند؟ بخاطر اینکه به عدم پرداخت حقوق خود اعتراض کرده اند؟ بدلیل گرانی و هزینه های سرسام آور زندگی؟ بدلیل استفاده از حق آزادی بیان خود، بدلیل فقدان برابری حقوق زن و مرد و یا فقدان حقوق کودک؟ بدلیل بی مذهبی و تعلق شان به دیگر گرایشات مذهبی؟ بدلیل فروش اجباری جسم خود؟ بدلیل بی بضاعتی؟ بدلیل بیماری؟ بدلیل پیری؟ بدلیل بی پولی؟ بدلیل گرانی بنزین و هزینه های رفت و آمد؟ بدلیل امضاء چک بی محل؟ بدلیل حفاظت از محیط زیست؟ و ...

همه اینها، حتی کسانی که بدلیل سرقت و جنایت در زندانهای جوامع سرمایه داری و بخصوص در حکومتهای فاشیستی مثل حکومت اسلامی ایران در زندانها بسر می برند، محصول بیعدالتی اجتماعی و محصول حاکمیت سرمایه و منفعت و سودجویی اند. جوامع به تناسب نزدیکی شان به عدالت و رفاه اجتماعی، از بزهکاری و جرم دورتر می شوند و به همان نسبت که بیعدالتی و نابرابری در جامعه ای عمیق تر باشد، بهمان نسبت "تخلف" و "جرم" در آن جامعه بالاتر و بنابراین بر تعداد انسانهایی که در درجه اول حق آزادی و رهائی آنان رבוده میشود، بیشتر میگردد.

وضعیت زندانهای ایران

زندانها تنگ است، یعنی جمعیت در آنها لول میزند. رئیس سازمان زندانها می گوید سرانه فیزیکی هر زندانی که باید سیزده متر باشد حالا پنج متر (این رقم را مطلقاً جدی نگیریم) کمتر است. داستان کف خوابی از همین جا شروع می شود. ماجرای کف خوابی و تختخواب در زندانها روایتی شنیدنی دارد که زندانیانی که به ما اطلاعات دادند با آب و تاب تعریفش می کنند. این گونه است که تختها فروش می شوند. تخت اجاره ای هم هست. هر زندانی دو سال بعد از ورودش به زندان صاحب تخت می شود، یعنی نوبت تختخوابی اش بعد از دو سال و حتی بیشتر می رسد، ولی در زندانها هستند کسانی که از راه نرسیده، هنوز عرق شان خشک نشده صاحب تخت می شوند، معمولاً نیز تختهای طبقه پایین نه طبقه دو و سه. زندانی گزارش میدهد که مرد کارخانه داری هست که تخت را پنج میلیون تومان پیش خرید کرده؛ فروشنده تخت، یک زندانی دست به دهان بود که این پول را به زخم زندگی اش باید

"بخشنامه‌ی ویژه‌ی مرخصی زندانیان"، خواستار آزادی هنگامه شهیدی شده است.

زندانیان باید فوراً آزاد شوند ...

جعفر عظیم زاده دبیر هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران، به خاطر فعالیت‌های صنفی به ۱۷ سال حبس تعزیری محکوم شده است. او می‌نویسد: "راه‌های ورود و گسترش وپروس کرونا به زندان به راحتی باز است و در صورت بروز و گسترش این ویروس، ما به جای تلفات دو درصدی با تلفات ۷۰ تا ۸۰ درصدی و یک فاجعه انسانی روبرو خواهیم بود."

منتقدین به مذهب: سهیل عربی فارغ التحصیل عکاسی است که در سال ۹۲ به خاطر انتشار مطالبی در نقد مذهب از سوی ماموران قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران دستگیر شد. سهیل عربی تنها به خاطر اندیشه و قلمش زندانی است. او ابتدا به اعدام و سپس به هفت سال و نیم زندان محکوم شد. او در زندان فشافویه و به خاطر اعتراض به وضعیت خود هم اکنون در اعتصاب غذا بسر می‌برد.

با شیوع پاندمی کرونا، یکبار دیگر لازم است کل جامعه بپاخیزد و برای آزادی فوری همه زندانیان و بخصوص زندانیان سیاسی اعتراض کند. تکلیف جمهوری اسلامی همراه زندانهایش معلوم است ولی امروز ضروری است که برای آزادی فوری تمامی زندانیان، حکومت حافظ سرمایه اسلامی را مجبور کنیم که درهای زندانها را باز کرده و آنان را از مرگ حتمی و سیستماتیک برهانیم.

- جمهوری اسلامی، هشتاد زندانی سیاسی در اهواز را به محلی نامعلوم فرستاده است. هشیار باشیم، جمهوری جنایت زندانیان سیاسی را قتل عام نکند!

- فوراً و بدون تعلل زندانیان باید آزاد شوند. علیه قتل عمد دولتی و کشتاری دیگر در زندانها باید تلاش کنیم. زندانها یکی از غیر بهداشتی ترین و خطرناک ترین امکان شیوع کرونا است. هر نوع تعلل، اقدام آگاهانه و عامدانه دولت به قتل عمد و کشتار جمعی است.

۹ آوریل ۲۰۲۰ برابر با ۲۱ فروردین ۱۳۹۹

میزد. زندانیانی که فعلاً پول قلنبه نمی‌خواهند و دنبال درآمد مستمرند، تخت را اجاره می‌دهند. یک نفر در بند، تخت طبقه سوم را هفته‌ای پانصد هزار تومان اجاره داده و کسی دیگر سیصد و پنجاه هزار تومان بابت روزی سه ساعت کرایه می‌گیرد.

کرونا در زندان‌های ایران

به گفته سخنگوی قوه قضاییه، ۵۴ هزار زندانی به مرخصی رفته‌اند. بنابر این حداقل دویست هزار نفر در ایران کماکان در زندانهای رژیم اسلامی زندانی می‌باشند. غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضاییه، می‌گوید، سلامت زندانیان اهمیت دارد و "امنیتی و غیر امنیتی ندارد". او به سلامتی نازنین زاغری و آزادی زندانیان سیاسی چون ضیا نبوی اشاره کرده است. اما گزارش‌های متنوعی بخصوص از مرخصی زندانیان سیاسی چیز دیگری می‌گویند.

مواردی از ابتلا به کرونا در زندان‌ها

آزمایش مثبت دو زندانی جرائم مرتبط با مواد مخدر در زندان قزل حصار و قرنطینه شدن آنها در بهداری زندان که تا پیش از بستری شدن "در سالنی با ۵۰۰ محکوم دیگر محبوس بوده‌اند"، از جمله موارد گزارش "هرانا" است که به نگرانی از شیوع گسترده‌ی این بیماری در زندان‌ها دامن زده است. "هرانا" همچنین از اثبات مبتلا بودن یک زندانی جرایم مالی در اندرزگاه ۴ زندان اوین به کرونا که تا پیش از "انتقال به مکان نامعلوم در کنار محدود زندانیان سیاسی این اندرزگاه نگهداری می‌شده" گزارش می‌دهد. هنگامه شهیدی نمونه دیگری است که بنابر گزارش‌های منتشر شده، به بیمارستان منتقل شده است. به گزارش وبسایت "انصاف‌نیوز"، ناهید کرمانشاهی، مادر هنگامه شهیدی پیش‌تر در مصاحبه با این سایت، گفته است که در تماس با دخترش، او از "وضعیت بهداشتی نامناسب بند زنان" شکایت داشته و "حالش خراب بوده و سرفه امانش نمی‌داده". مصطفی ترک همدانی، وکیل مدافع هنگامه شهیدی هم در توییتی خطاب به رئیس قوه قضاییه با اشاره به "احتمال ابتلای موکلش به بیماری کرونا در زندان اوین" و

علیه مذهب و خرافات!

شیوع کرونا برای هزارمین بار نشان داد که خرافات مذهبی، امامان و بیوت دایناسورهای اسلامی، همه حجره‌های تجارت و تخدیر و جنایت هستند. آیت الله‌ها و آخوندها به بیمارستانهای مجلل و محیطهای خوش آب و هوا میروند اما مردم را به زیارت و خواندن دعا دعوت میکنند! ویروس کرونا در کنار وحشتی که آفرید در عین حال مذهب را در زمین خودش شکست داد. معلوم شد این همه بارگاه مذهبی و افسانه سرائی پیرامون آن پشیزی ارزش ندارد و فقط دستگاه شیادی و کلاهبرداری است. به مساجد، زیارتگاه‌ها و نماز جمعه نروید! به سخنان جنایتکاران صنعت دین واقعی نگذارید! علیه خرافات مذهبی و توصیه‌های غیر علمی و غیر کارشناسانه بایستید! آخوندها و تجار دین را از محیط زندگی تان بیرون کنید! دستگاه دین و خرافات اسلامی بیشتر از کرونا برای سلامت و بهداشت جسمی و روانی شهروندان خطرناک است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

"تاکتیک یعنی بی اصولی!"

دفاعی مذبحانه از تحریم اقتصادی!

آذر ماجدی

مقاله زیر ۸ سال پیش به تاریخ ژانویه ۲۰۱۲ نوشته شده که اکنون با تغییراتی جزئی مجدداً منتشر میشود. دفاع از تحریم میبחי است که بارها و بارها در حزب موسوم به کمونیست کارگری طرح شده است. هر از چندگاهی این میبخت طرح می شود، لیبر حزب و بخشی از رهبری آن می کوشند علناً و رسماً از تحریم دفاع کنند؛ هر دفعه آب را تست می کنند و دوباره عقب می نشینند؛ و دفاعشان را بطور ضمنی طرح می کنند. به هر تاکتیکی هم متوسل شده اند؛ اما باز عقب نشسته اند. بار دیگر این مساله این بار به شکلی زمخت از طرف لیبر حزب و بخشی از رهبری در تلویزیون مطرح شده است. اینها مدتی کوشیدند بگویند دنیا بعد از منصور حکمت تغییر کرده و نمیشود به همان ترها متعهد بود؛ بار دیگر خواب نما شده اند و منصور حکمت را در خواب دیده اند که به آنها می گوید "کارتان درست است!" نوشته زیر در نقد تلاش شبیه زیرکانه اصغر کریمی که کوشیده با ارجاع به خاطرات موضع فوق راست و ارتجاعی دفاع از تحریم را به منصور حکمت نسبت دهد، نوشته شده است.

۴ آوریل ۲۰۲۰

بدنبال نقد سیاست راست و ضد انسانی حمید تقوایی در دفاع خجولانه از تحریم اقتصادی، اصغر کریمی با رجوع به حافظه کوشیده است منصور حکمت را منبع این سیاست راست حزبش قلمداد کند. در این دفاعیه نکات جالب توجه و مهمی در مورد روش های سیاسی حاکم بر این حزب برملا شده است. پرداختن به این شیوه های سیاسی اهمیتی فراتر از برخورد به سیاست این حزب در قبال تحریم اقتصادی دارد. همین نوشته کوتاه بشکلی بارز پراگماتیسم اپورتونیستی حاکم بر این حزب را که در چند سال اخیر به یک بیماری مزمن بدل شده است، عیان می کند.

بعلاوه، نشان میدهد که رهبری این حزب بار دیگر نیازمند ارجاع به منصور حکمت، ولو بشکلی اپورتونیستی شده است. این نکته نیز حائز اهمیت است. کسانی که در چند سال اخیر هرگونه رجوع به منصور حکمت را در مباحث و پلمیک های سیاسی به سخره می گرفتند؛ آنرا فرقه ای و مذهبی می خواندند و با بادی در غیغب درافزوده های پوپولیستی خویش را به رخ می کشیدند؛ اعلام می کردند که شرایط تغییر کرده و باید سیاست های «نوین» ابداع کرد؛ اکنون در مخصه و استیصال عیان شدن راست روی ها و بیربطی مطلق شان به کمونیسم کارگری منصور حکمت در درون و بیرون حزب، دستپاچه در جستجوی راه فرار، بجای ارجاع به اسناد بسیار روشن کتبی و علنی، از حافظه شان مدد جسته اند. به این مساله نیز باید پرداخت.

تاکتیک مترادف با بی اصولی!

اصغر کریمی مقاله اش را این چنین آغاز می کند: "با اینهمه از آنجا که برخی از جریانات چپ مخالف تحریم از این مساله یک "اصل" ساخته و بصورت کلیشه ای به تکرار برخی جملات میپردازند و خود را از هر تحلیل مشخصی بی نیاز میدانند، مفید میدانم سابقه این بحث

در حزب کمونیست کارگری را بنویسم و ظرایف این بحث را اشاره کنم. "آنگاه بدنبال این بحث اضافه می کند که: "بنظر من تحریم اقتصادی هم مانند جنگ یک تاکتیک است و درست مانند جنگ در بیشتر اوقات ارتجاعی و علیه مردم است اما اصلی نیست که همه جا و بدون یک تحلیل مشخص بتوان علیه آن موضع گرفت".



به این دو جمله کمی دقت کنید: گفته می شود که برخی از ضدیت با تحریم اقتصادی "یک اصل ساخته اند" و سپس اضافه می شود که تحریم اقتصادی "یک تاکتیک است." ابتدا باید پرسید، منظور ایشان از "اصل ساختن" چیست؟ اگر پیش از موضعگیری و به قلم درآوردن این عبارت کمی تعمق بخرج داده شده بود، اینطور سطحی و شلخته این کلمه بعنوان ریشخند اصولیگری کمونیسم کارگری بکار برده نمیشد. این عبارت ممکن است در ظاهر عمیق بنظر رسد؛ اما در واقعیت امر هیچ چیز جز بی اصولی گری نویسنده را برملا نمی کند. این یک اصل ابتدایی کمونیسم کارگری است که در اتخاذ موضع، هر موضعی چه سیاسی و چه تاکتیکی، اطمینان حاصل می کند که آن سیاست معین با اصول پایه ای و کمونیستی و با استراتژی انقلابی و کمونیستی در تعارض و تناقض قرار نمی گیرد.

یکی از اصول پایه ای کمونیسم کارگری چنین است: تاکتیک باید با اصول و استراتژی کمونیسم کارگری همخوانی داشته باشد. طی تاریخ جریانات کمونیستی بورژوایی متعددی وجود داشته اند که در زبان بر کمونیسم و انقلاب کارگری پای می فشردند و در عمل، از سوراخ تاکتیک، مدافع ارتجاعی ترین و راست ترین سیاست ها می شدند. تاکتیک برای این دسته کمونیست ها یعنی اپورتونیسم، یعنی ابن الوقت بودن، یعنی بی اصولی گری، یعنی دنبال کردن سیاستی متناقض با کمونیسم. اما تاکتیک برای کمونیسم کارگری یعنی اتخاذ سیاست هایی که ضمن همخوانی کامل با روش ها و ایده های کمونیستی و انسانی، کمونیسم را در سیاست و عمل به استراتژی انقلاب کارگری و سرنوشتی سرمایه داری نزدیک تر می سازد. این عبارت که «هدف وسیله را توجیه نمی کند» بارها و بارها در جریان کمونیسم کارگری منصور حکمت، برای توضیح این اصل و بیان تفاوت خط کمونیسم کارگری با کمونیسم های بورژوایی طرح شده است.

حافظه اصغر کریمی را به سمینار کمونیسم کارگری ۲ در انجمن مارکس بناریخ مارس ۲۰۰۰ جلب می کنم. منصور حکمت در آن سمینار درباره جایگاه تاکتیک نزد کمونیسم کارگری صحبت می کند. بعنوان یکی از مبانی پایه ای کمونیسم کارگری بر مساله همخوانی تاکتیک با اصول کمونیسم کارگری و استراتژی تاکید می کند. در نقد کمونیسم بورژوایی که چگونه تاکتیک برایش هر نوع بی پرنسیپی را توجیه می کند، از این سخن می گوید که تاکتیک نزد کمونیسم کارگری همواره در تطابق کامل با اصول قرار دارد. صریحاً اعلام می کند: "در فکر ما تاکتیک نمیتواند با اصول مغایر باشد. ... عدم تناقض تاکتیک و استراتژی و خوانایی تاکتیک و استراتژی یک جنبه هویتی ما است".

و در جایی دیگر در همین رابطه مثالی برای توضیح این

"تاکتیک یعنی بی اصولی!"

دفاعی مذبوحانه از تحریم اقتصادی ...

اصل پایه ای می زند که بسیار گویا و جالب توجه است. می گوید اگر در یک جنگ حتی برای ما مسجل باشد که با بمباران ده مقابل می توانیم به پیروزی برسیم، از این کار بدلائل پابندی مان به اصول انسانی اجتناب می کنیم. قصد منصور حکمت در قرار دادن این مبحث در زمره مبانی کمونیسیم کارگری و ارائه این مثال معین، کاملا روشن است. می خواهد جلوی همیگونه اپورتونیسیم را سد کند. اپورتونیسیمی که یکی از اصول پایه ای کمونیسیم بورژوایی است. (البته اصغر کریمی برای این مبحث نیاز به ارجاع به حافظه ندارد. این سمینار بصورت علنی ارائه شده و در سایت منصور حکمت موجود است. همه می توانند به آن رجوع کنند و سندیت این بحث را تأیید کنند).

برای کمونیسیم بورژوایی چه ورژن بین المللی آن و چه ورژن "وطنی" آن، تاکتیک همواره بمعنای پولتیک زند است. هر وقت از تاکتیک و "تحلیل مشخص از شرایط مشخص" صحبت می کنند، کاسه ای زیر نیم کاسه دارند. نیت شان انداختن یک سیاست راست، ارتجاعی، ضد کمونستی تحت نام کمونیسیم به خلق الله است. حزب توده در تبعیت از پدران کمونیسیم پرو سویتی خویش، در این نوع پولتیک زند ید طولایی دارد. سازمان های چپ پوپولیست "وطنی" جز اینگونه تاکتیک زند کار دیگری نکرده و نمی کنند. دفاع از خمینی بعنوان "قهرمان جبهه ضد امپریالیست"، حمایت از رژیم اسلامی در جنگ علیه دشمن خارجی، تأیید یا سکوت در مقابل سیاست های زن ستیزانه رژیم اسلامی، دفاع از خاتمی و جریان ۲ خردادی، دفاع از جنبش "سبز"، اینها صرفا نمونه هایی از اینگونه تاکتیک گرایی است.

البته حزب آقای کریمی نیز ظرف ۵ - ۶ سال اخیر در تاکتیک گرایی دستکمی از این جریانات چپ غیر کارگری ندارد. یادمان هست که چگونه میر حسین موسوی توسط حمید تقوایی درون مبارزات مردم علیه رژیم اسلامی قاچاق شد و او و جناحش بعنوان جریان سازشکار انقلاب نامیده شدند. یادمان هست که چگونه اصغر کریمی از فواید جنگ صحبت کرد. چگونه در محکومیت اسلام سیاسی از حمله وحشیانه اسرائیل به غزه دفاع شد و زمانیکه بدنبال نقد های ما، درون حزب خودشان نیز به اینکار اعتراض شد، حمید تقوایی با تشریح به آنها گفت: "چی شده؟ اومانیسیم تان گل کرده؟" چگونه حزب شان به جنبش اکس مسلم بدل شد و جالب اینکه در همینجا نیز به مردم پولتیک می زنند: به زبان فارسی آنرا "من از مذهب رویگردانم" خطاب می کنند و در زبانهای غیر فارسی "اکس مسلم". چگونه خود را مدافع نظام "حقوق بشری" نامیدند و کاندید ریاست جمهوری در چنین نظامی شدند

اینها همه خاصیت "اصل نساختن" از اصول و تاکتیک نزد این جریان است. "تحلیل مشخص از شرایط مشخص" برای اینها، همانند تمام کمونیسیت های بورژوایی، اتخاذ سیاست های راست و ارتجاعی، سازشکاری با راست و بورژوازی، تحت نام تاکتیک است.

یک نکته دیگر. باید از اصغر کریمی پرسید که چگونه ایشان بخود اجازه می دهد اعلام کند: سیاست حزب کمونیسیت کارگری مبتنی بر روایت ایشان از جلسه ای در سال ۱۹۹۲-۹۳ است، در حالیکه تا آنجا که به مقوله تحریم اقتصادی بر می گردد، سندی کتبی و منتشر شده از منصور حکمت بتاریخ ۱۹۹۵ موجود است؟ این سند از آنجا که بعنوان ستون اول نشریه انترناسیونال انتشار یافته است، موضع رسمی حزب کمونیسیت کارگری وقت است:

"تحریم تجاری ایران توسط آمریکا، انگیزه های داخلی و بین المللی دولت آمریکا در اتخاذ این سیاست و تأثیرات آن بر جمهوری اسلامی در هفته های اخیر از جانب مفسران مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این میان چند نکته باید اینجا مشخصا مورد تأکید قرار بگیرد.

این سیاست آمریکا مستقل از تأثیراتش بر ثبات و بی ثباتی رژیم اسلامی، باید بعنوان یک اقدام زیانبار برای مردم ایران بدون هیچ ابهامی محکوم شود. وخامت بیشتر اوضاع اقتصادی مردم نتیجه محتوم این سیاست خواهد بود. برخلاف ادعاهای رایج، تحریم تجاری از جانب آمریکا حتی اگر اروپا و ژاپن و سایر قطبهای اقتصادی از آن تبعیت نکنند، تنگناهای واقعی برای اقتصاد ایران ایجاد میکند که قربانیان فوری آن نه رژیم اسلامی، بلکه توده وسیع مردم کارگر و کم درآمد در ایران خواهند بود.

این تصور که اعمال فشار بر مردم و به استیصال کشیدن آنها گامی در جهت سرنگونی رژیم اسلامی است، تصویری بیمارگونه و ضد اجتماعی است که فقط در چهارچوب تفکر فرقه ای جریانات حاشیه جامعه نظیر مجاهدین می گنجد. و این در شرایطی است که خود آمریکا نه فقط تغییر رژیم، بلکه حتی تغییر روش داخلی رژیم اسلامی در قبال مردم ایران را جزو اهداف سیاست تحریم تجاری ذکر نکرده است."

(منصور حکمت، "تحریم تجاری ایران"، ستون اول، انترناسیونال ۱۸، ژوئن ۱۹۹۵، بازچاپ در مجموعه آثار، جلد ۸، ص ۲۷۵).

چرا به حافظه ارجاع شده است؟

ارجاع اصغر کریمی به حافظه را نباید بعنوان اتکاء ایشان به سنت ها و اصول کمونیسیم کارگری منصور حکمت فهمید. زیرا یکی از خصوصیات برجسته این سنت و منصور حکمت مدون بودن تمام اصول و نظرات سیاسی و تئوریک است. نمونه تحریم اقتصادی را در بالا برشمردیم. در جلسه مورد اشاره اصغر کریمی هر چه گذشته باشد، منصور حکمت در سال ۱۹۹۵ روشن و مستدل مخالفت پایه ای خویش را با تحریم اقتصادی بعنوان یک عمل ضد انسانی تدوین کرده است. این نوشته تا همین ۵-۶ سال پیش بعنوان یک اصل خدشه ناپذیر حزب برسمیت شناخته می شد و بدنبال آن در نوشته ای دیگر منصور حکمت سیاست تحریم اقتصادی را مترادف با کاربست سلاح کشتار جمعی قرار داده است.

بعلاوه، در سال ۲۰۰۵ قطعنامه ای توسط دفتر سیاسی وقت بتصویب رسید که بر همین اصل پای می فشارد. باید پرسید چرا اصغر کریمی در جلسه دفتر سیاسی در سال ۲۰۰۵ این خاطره را بیاد نداشت و از دفتر سیاسی نخواست که از محکومیت تحریم اقتصادی "اصل نساختن؟" ظاهرا حافظه ایشان با گذشت زمان قوی تر می شود. اصغر کریمی ترجیح می دهد که نه تنها موضع رسمی حزب در زمان حیات منصور حکمت را ندیده بگیرد، بلکه قطعنامه ای را که در سال ۲۰۰۵ در این

"تاکتیک یعنی بی اصولی!"

دفاعی مذبحخانه از تحریم اقتصادی ...

حزب تصویب شد را نیز به یک کاغذ پاره بی خاصیت بدل کند.

زیرکی اصغر کریمی در نحوه ارائه خاطره اش از یک جلسه جانب توجه است. ایشان دارند از این خاطره گویی مشروعیتی برای دفاع حزب از سیاست تحریم اقتصادی دست و پا می کنند: "در این جلسه به آفریقای جنوبی زیاد پرداخته نشد و موضوع روی نفس سیاست تحریم اقتصادی متمرکز شد. منصور حکمت یکی دو سوال مطرح کرد و سپس از پیشنهاد من بطور قاطع حمایت کرد اما ملاحظات سیاسی مهمی را اضافه نمود. یکی اینکه در یک شرایط انقلابی ممکن است تحریم اقتصادی به سرنگونی سریعتر یک حکومت منجر شود و قابل دفاع است."

در مورد صحت و سقم این خاطره بحثی را ضروری نمی دانیم. چراکه در بالا موضع مدون منصور حکمت درباره تحریم اقتصادی را نقل کردیم. اما شیوه بیان این خاطره قرار است منتقدین کمونیست سیاست راست و ضد انسانی این حزب در دفاع از تحریم اقتصادی را با اتکاء به اعتبار کمونیستی و انقلابی منصور حکمت قانع یا منکوب کند. از آنجایی که از زمان مرگ منصور حکمت، حمید تقوایی شرایط جامعه ایران را انقلابی و تحت حاکمیت چپ اعلام کرده است؛ خیزش عظیم مردم در دو سال پیش را "انقلاب ۸۸" نامیده است؛ و هنوز دارد از انقلاب شکسته نخورده ۸۸ سخن می گوید؛ لذا دفاع این حزب در چند سال اخیر از تحریم اقتصادی تروریسم دولتی، بسرکردگی آمریکا، طبق خاطره اصغر کریمی، نه تنها مجاز بلکه انقلابی و کمونیستی است. این اوج اپورتونیسیم و استیصال رهبری این حزب در دفاع از سیاست ها و مواضع راست شان و تاکتیک های ائتلاف با جنبش ناسیونالیسم پرو غرب و ملی - اسلامی در دو سال اخیر است. تحت فشار نقد کمونیسم کارگری به راست روی های شرم آور این حزب، تئوری های من درآوردی پوپولیستی شان دیگر دردی را دوا نمی کند. باید به منصور حکمت رجوع کرد. به بیش از ده جلد قطور مباحث مدون او که نمی توان ارجاع داد، پس باید خواب نما شد و به خاطره گویی توسل جست. این علت اصلی داستان سرایی اصغر کریمی است.

ارجاع به خاطرات، زیر پا گذاشتن اسناد و مصوبات

این اولین بار نیست که این حزب چنین روشهایی را بکار می بندد. تعویض استراتژی حزب از انقلاب کارگری به "انقلاب انسانی" و حکومت کارگری به "حکومت انسانی" توسط لیدر حزب طی یک برنامه تلویزیونی و سپس تحت فشار نقد ما، تصویب قطعنامه ای در این رابطه در کنگره ۶ یک نمونه بسیار روشن از بی اعتنایی مطلق این رهبری به اصول پایه ای کمونیسم کارگری است. باید پرسید آیا اصغر کریمی جلسه دیگری را سراغ ندارد که منصور حکمت در تأیید سخنان اصغر کریمی از مطلوبیت انقلاب و حکومت انسانی سخن گفته باشد؟!

نمونه دیگر، دفاع این حزب از بیانیه حقوق بشر است. این بیانیه به

روشنی توسط کمونیسم کارگری نقد شده است. دفاع صریح این بیانیه از مالکیت خصوصی بعنوان یک حق پایه ای، برای کمونیسم کارگری ماهیت جنگ سردی، ضد کمونیستی و بورژوازی آنرا برملا می کند. تفکیک خط کمونیسم کارگری از دفاعیات بورژوازی "حقوق بشر" برای کمونیسم کارگری بسیار مهم است. منصور حکمت در چندین مورد و در جلسات متفاوت از کادرها خواسته بود که دقیقاً بمنظور جلوگیری از چنین سوءتفاهمی، از لفظ حقوق بشر استفاده نکنند و لفظ حقوق انسانی را بکار ببندند. آیا این تاکیادات از حافظه اصغر کریمی پاک شده است؟

دفاع قاطع کمونیسم کارگری و منصور حکمت از تشکیل دو کشور مستقل و متساوی الحقوق فلسطین و اسرائیل و تاکید بر حل مساله فلسطین در این چهارچوب یکی از اصول مهم سیاسی حزب تا زمان لیدر شیپ حمید تقوایی بود. این اصل مهم و مدون حزب و تمام استدلالات و دفاعیات منصور حکمت از این موضع چه در اسناد و چه در جلسات تشکیلاتی و سیاسی نیز از حافظه نه تنها اصغر کریمی، بلکه کل رهبری این حزب پاک شده است. اصغر کریمی کوشیده است با ارجاع به حافظه، منصور حکمت را نیز در راست روی حزب شریک کند. باید بگوییم که ممکن است این حزب در اتخاذ هر موضع راست، ضد کمونیستی و ضد انسانی مخیر باشد؛ اما بهیچوجه اجازه ندارد اعتبار منصور حکمت را وجه المصلحه این سیاستها قرار دهد. ما اجازه نخواهیم داد.

ارجاع به منصور حکمت چرا ضروری شده است؟

اما چرا پس از نزدیک به ده سال بی اعتنایی سیاسی و تئوریک به منصور حکمت؛ پس از آنکه در مقابل مباحث ما در ۶ سال پیش که اعلام می کردیم، رهبری حزب دارد از منصور حکمت عبور می کند، ما را اسیر در گذشته می نامیدند و لزوم "تحلیل مشخص از شرایط مشخص" روز را طرح می کردند؛ پس از آنکه برنامه و اصول سازمانی حزب و کلیه قطعنامه ها و مصوبات حزب را در صندوقخانه ای بایگانی کردند و حتی برای گردگیری نیز در آنرا باز نکردند؛ بناگهان در پاسخ به نقد ما یاد منصور حکمت افتاده اند و می کوشند با ارجاع به او سیاست راستشان را توجیه کنند؟ چرا دیگر آن اعتماد به نفس را در خود نمی یابند که به اسم خود و با اتکاء به تئوری های کهنه پوپولیستی شان از این سیاست دفاع کنند؟ آنها را چه می شود؟

مدتی است که نقد به راست روی حزب در درون حزب هم آغاز شده است. آن دسته از کادرهای حزب که هنوز به کمونیسم کارگری وفادارند و از این رهبری پاسخ قانع کننده ای در قبال سیاست ها و تاکتیک های راست، بویژه در دو سال اخیر، دریافت نکرده اند، از حزب فاصله گرفته اند، استعفاء کرده اند و بعضاً علناً این سیاست ها را نقد کرده اند. رهبری حزب موقعیت خود را بویژه در شرایط حاضر ضربه پذیر می بیند. لذا تنها راه خلاصی را در ارجاع به منصور حکمت دیده است. اما وضع آنقدر پس است که در دفاع از راست روی هایشان به یک نوشته و مصوبه او هم نمی توانند رجوع کنند. ظاهراً خاطرات تنها راه است.

راست روی این حزب دیگر مزمز شده است. پراگماتیسم اپورتونیسیتی به روش حاکم آنها بدل شده است. هیاهوهای پوچ و پوپولیستی شان موضوع مضحکه خاص و عام است. باید اسمی برای خود انتخاب کنند که با "سرود ای ایران"، پرچم سفید و بیانیه حقوق بشر خوانایی داشته باشد. خدا عاقبتشان را بخیر کند! *

جنایت در زندانهای اهواز

اسامی زندانیان مجروح و بازداشتی زندان شیبان یا زندانی مرکزی اهواز در اعتراضات زندانیان
#جنایت_در_زندان_شیبان

روز سه شنبه ۱۲ فروردین ماه ۹۹ زندانیان زندان مرکزی اهواز به تبعیض در مرخصی و عفو صادره از مقامات قضائی و همچنین به نبود امکانات بهداشتی و طبی و ابتلای چند زندانی به #ویروس_کرونا اعتراض کردند که به اعتراض آنها با گلوله و گاز اشک آور و سرکوب پاسخ داده شد. اعتراض این زندانیان توسط نیروهای امنیتی، بسیج و سپاه سرکوب شد که در این میان شماری از آنان با شلیک مستقیم مجروح شدند و بعضی از آنها که بیشتر از بند ۵ هستند، بوسیله شکنجه و ضرب نیروهای یگان ویژه که از استان دیگری آمده بودند، مجروح شدند. بیش از ۸۰ نفر از زندانیان توسط اداره اطلاعات بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شدند. لازم به ذکر است که کلیه زندانیان مذکور از بند ۵ یا بند زندانیان سیاسی و فعالان فرهنگی و مدنی است. بعضی از آنان از محل نامعلومی با خانواده هایشان تماس گرفته و وانمود کردند که حالشان خوب است اما منابع محلی می گویند؛ آنها در زندان نیستند و تا کنون خانواده ها موفق به ملاقات آنها نشدند.

* زندانیانی که در بند ۵ زندان شیبان با تیر مستقیم مجروح شدند و تاکنون سرنوشت آنها مشخص نیست:

۱-سید سالم البو شوکه ۲-سید انور موسوی ۳-مصطفی صوفی
۴-سید موسی موسوی ۵-سجاد دیلمی ۶-عبدالرضا عبیدآوی ۷-
میلاد الناصری ۸-حبیب دریس

* زندانیان مجروح در اثر ضرب و شکنجه یگان ویژه در زندان شیبان یا زندان مرکزی اهواز:

۱-علی مجدم ۲-معین البو خنفر ۳-سید علیرضا نظاری(سید صادق نزاری) معروف به ابو نبیل ۴-علی منبوهی ۵-رحیم عفرای (ابو میثم) ۶-حسین حردانی ۷-عبدالزهره هلیچی ۸-عبدالله عیسی دمنی ۹-محمد ثعالبی ۱۰-محمد ثعالبی ۱۱-احمد ثعالبی ۱۲-محمد ثعالبی ۱۳-توفیق علیپور (ابو مهدی) ۱۴-رعد منیعات ۱۵-توفیق منیعات ۱۶-امین حطاب الساری ۱۷-عبدالله چلداوی

* زندانیانی که توسط نیروهای اداره اطلاعات بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند:

۱-سید جابر البوشوکه ۲-سید مختار البوشوکه ۳-اسکندر منیعات ۴-جاسم حیدری ۵-جمیل حیدری ۶-علی چهارلنگ ۷-سید انور موسوی ۸-محمد علی عموری نژاد ۹-ستار سواری ۱۰-حبیب دریس ۱۱-علی مجدم ۱۲-اسکندر البو خنفر ۱۳-حسن بترانی فرزند جاسم ۱۴-فلاح چلداوی
منبع: "فاجعه کرونا در زندانها"

ابتلا ۵۰ زندانی سیاسی زندان مرکزی ارومیه به ویروس

کرونا و تهدید زندانیان به قتل توسط مسئولان زندان

شماری از زندانیان از جمله ۵۰ زندانی سیاسی زندان مرکزی ارومیه به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند. مسئولان زندان در هراس و وحشت از شورش زندانیان آنها را به قتل تهدید کرده است. براساس گزارش منتشر شده، ۰ تن از زندانیان سیاسی محبوس در بند ۱۵ زندان ارومیه به ویروس کرونا مبتلا شده اند که اسامی ۱۱ نفر از آنها به شرح زیر می‌باشد:

۱-بهنام فروزنده دل فرزند رضا ۲-محمدحسین ایرج‌نیا فرزند احمد ۳-اکبر کامل‌منگل فرزند محمدعلی ۴-امید افراسیابی فرزند یدالله ۵-احمد منوچهری فرزند کوروش ۶-کریم اشرفی فرزند علیرضا ۷-حجت نوری فرزند یدالله ۸-حمید معظم فرزند محسن ۹-نوید بیگی فرزند مجید ۱۰-صابر کاسب ۱۱-حامد فیروزه فرزند محمدشا

علاوه بر این در بند ۳ و ۴ زندان مرکزی ارومیه نیز ۱۲ نفر به کرونا مبتلا شده اند که اسامی ۷ نفر از آنها به شرح زیر می‌باشد:

۱-رحیم شیخکائلو ۲-شیرزاد پایون ۳-جعفر مسعودی نیا ۴-فرهاد رحیمی ۵-ارسلان عیوضی ۶-رمضان شیخ کائلی ۷-حیدر غیرتمند

"به نقل از رسانه های اجتماعی".

جزئیات بیشتر از #کشتار در زندانهای #سپیدار و #زندان مرکزی اهواز

اسامی کشته شدگان به شرح زیر است:

۱- محمد نامولی طرفی ۲۵ ساله، فرزند لفته، از اهالی شهر بستان که در سال ۱۳۹۷ بازداشت شده است و در حال گذراندن حکم ۷ ساله در زندان سپیدار اهواز ۲- سید رضا خرسانی (مغیمی) ۳۸ ساله و متاهل از اهالی دشت آزادگان شهر خفاجیه ۳- محمد سلامات از اهالی کوی مشعلی شهر اهواز ۴- شاهین زهیری از اهالی شهر محمره (خرمشهر) که به اتهام قتل در زندان سپیدار در حبس بود ۵- محمد فرزند لفته رشگ از اهالی شهر اهواز ۶- علی خفاجی ۷- مجید زبیدی، از کوی آخر اسفالت شهر اهواز

اسامی مجروحان به شرح زیر است:

۱- عادل سواری، در بیرون زندان شیبان در هنگام تجمع خانواده ها بوسیله نیروهای سپاه مجروح شد ۲- علی سواری، در بیرون زندان شیبان در هنگام تجمع خانواده ها بوسیله نیروهای سپاه مجروح شد ۳- حسن البو خنفر، در داخل زندان شیبان مجروح شد ۴- حمید بیت صیاح، در درون زندان شیبان مجروح شد ۵- محمد عبیدآوی، در درون زندان شیبان مجروح شد ۶- محسن اُورک، در درون زندان شیبان مجروح شد ۷- کاظم جنامی، در درون زندان شیبان مجروح شد ۸- سید احمد طالقانی، در درون زندان سپیدار مجروح شد ۹- حسن جزایبان، در درون زندان سپیدار مجروح شد ۱۰- خلیل زرگانی، در درون زندان سپیدار مجروح شد ۱۱- آحسان نوروزی، در درون زندان سپیدار مجروح شد ۱۲- علی شجیراتی در درون زندان سپیدار مجروح شد ۱۳- فاضل حمیرات، در درون زندان سپیدار مجروح شد.

طبق گزارش ها تا کنون بیش از ۱۵ نفر از زندان سپیدار کشته شدند یا در آتش سوختند. *

زنده باد اول مه!

أفقِ طبقه کارگر ملی نیست، مذهبی نیست، جنسیتی نیست، استقلال طلب و خودمختاری طلب نیست، منفعتِ صنفِ خاصی را دنبال نمیکند، دینِ ویژه ای نمی آورد و در پی احیای سنت های عتیق و باستانی بشر نیست. کارگران میخواهند مبنای نظم مبتنی بر تبعیض و نابرابری، نظم مبتنی بر استثمار کار مزدی و مالکیتِ خصوصی را تغییر دهند. اول مه پرچم طبقه کارگر رادیکالی است که تغییر این جهان وارونه و نظم سرمایه داری را امر فوری خود میدانند. اگر جنبشها و طبقات دیگر آزادی قسمتی و حقوق ویژه ای را نهایتِ اهدافِ خود قرار داده اند، طبقه کارگر در عین طرح مطالباتِ بلاواسطه اش، که آنهم در چهارچوب رفاه همگانی قرار دارد، پرچم آزادی انسان از سلطه و انقیادِ سیاسی و اقتصادی سرمایه داری و مناسباتِ بردگیِ مُدرنِ مزدی را برافراشته است. این یعنی کارگر برای آزادی ناچار است همه را آزاد کند و در اسارت نگهداشتنِ بخشی از جامعه منفعتی ندارد. این یعنی طبقه کارگر آزاد نمیشود مگر اینکه کل جامعه را آزاد کند.

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آوریل ۲۰۲۰

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!